

Obligatory Ruling on Doing Household Chores by the Wife from the Perspective of Imamī Jurisprudence ¹

BiBi Rahimeh Ibrahimī 

Assistant Professor of Department of Jurisprudence and Law, Shahid, Motahhari
University of Mashhad, Iran; ebrahimi_40728@yahoo.com

Receiving Date: 2022-02-10; Approval Date: 2022-06-23

**Justārḡhā-ye
Fiḡhī va Uṣūlī**


Vol.8, No.29
Winter 2023

133

Abstract

One of the issues of jurisprudence and family law is about work such as cooking, washing clothes, cleaning and tidying the house. The opinion of the renowned majority of the jurists is that it is not *wājib* (obligatory) for the wife to do these things. However, paying attention to these topics in two chapters, *nafaqah* (alimony) and *nushūz* (material disobedience), makes this view face academic

1. Ibrahimī- R ; (2023): " Obligatory Ruling on Doing Household Chores by the Wife from the Perspective of Imamī Jurisprudence"; *Jostar_ Hay Fiḡhi va Usuli*; Vol: 8 ; No: 29 ; Page: 133-161;

 10.22034/jrj.2020.58463.2118

© 2022, Author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

and practical problems. The unpopular opinion based on the *irtikāzī* (fixed way) condition considers them as the duty of the wife, which has faced serious criticism from the jurists. Therefore, it is necessary to explain the *ḥukm* (ruling) and give a reasonable argument on this issue. This paper, which is presented in an analytical and reasoning method, tried to pay attention to the basis of the necessity of Consorting in an honourable manner. According to this result, the wife is not entitled to wages for doing household chores, and she is also not *nāshiz* if she does not do these chores.

Keywords: Doing Household Chores, Working at Home, Consort in an Honourable Manner, *Nushūz* (Material Disobedience), Wages for Doing Household Chores.



حکم تکلیفی انجام کارهای منزل توسط زوجه از منظر فقه امامیه^۱

بی بی رحیمه ابراهیمی 

استادیار مدرسه عالی شهید مطهری واحد خاوران مشهد، مشهد- ایران؛ رایانامه: ebrahimi_40728@yahoo.com


تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۶

چکیده

یکی از مباحث فقه و حقوق خانواده درباره کارهایی مانند غذا پختن، لباس شستن، تمیز و مرتب کردن خانه است. دیدگاه مشهور فقیهان واجب نبودن انجام این کارها بر زوجه است، اما توجه هم‌زمان به این مباحث در دو باب نفقه و نشوز، این دیدگاه را با مشکلات علمی و عملی مواجه می‌سازد. دیدگاه غیرمشهور بر مبنای شرط ارتکازی، آن‌ها را وظیفه زوجه می‌داند که این مینا با نقدهای جدی فقیهان روبه‌رو شده است، از این رو تبیین حکم در این مسئله و استدلال موجه بر آن ضروری می‌نماید. این نوشته به روش تحلیلی و استدلالی صورت گرفته، تلاش کرده است به مبنای لزوم معاشرت به معروف توجه نماید. براساس این مینا، انجام این امور بر زوجه واجب خواهد بود. این نتیجه، عدم استحقاق دریافت اجرت بر انجام کارهای منزل برای زوجه و ناشز بودن او

حکم تکلیفی
انجام کارهای منزل
توسط زوجه از منظر
فقه امامیه

۱۳۵

۱. ابراهیمی، بی بی رحیمه. (۱۴۰۱). حکم تکلیفی انجام کارهای منزل توسط زوجه از منظر فقه امامیه. فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای فقهی و اصولی. ۸ (۲۹): ۱۳۳-۱۶۱.
 <https://orcid.org/0000-0002-9340-4340>

در صورت انجام ندادن این امور را در پی خواهد داشت.

کلید واژه‌ها: انجام کارهای منزل، خدمت بیت، معاشرت به معروف، نشوز، اجرت کارهای منزل.

مقدمه

یکی از مباحث فقه و حقوق خانواده درباره کارهایی است که در منزل وجود دارد و برای زندگی مشترک چاره‌ای از انجام آن‌ها نیست؛ کارهایی مانند غذا پختن، لباس شستن، تمیز و مرتب کردن خانه. گمان بر آن است که دیدگاه مشهور فقیهان بر وجوب نبودن انجام این کارها برای زوجه است و دیدگاه غیرمشهور کم طرفداری در میان معاصران وجود دارد که بر وجوب انجام این امور بر زوجه براساس «شرط بنایی» شکل گرفته است. توجه به دیدگاه مشهور فقیهان در دو باب نفقه زوجه و نشوز زن، ثبات قدم آنان را بر این حکم با تردید مواجه می‌سازد. از سوی دیگر، مبنای دیدگاه غیرمشهور در این زمینه با نقدهای جدی مواجه است. بنابراین تنقیح حکم در این موضوع و استدلال موجه بر آن ضروری می‌نماید. این مسئله تقریباً در میان فقه‌پژوهان نیز مورد توجه نبوده، تلاش درخوری برای حل مسئله صورت نگرفته است.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۹

زمستان ۱۴۰۱

۱۳۶

در این نوشته ابتدا دیدگاه مشهور فقیهان در دو باب نفقه زوجه و نشوز زن پیگیری می‌شود که نتیجه بررسی هم‌زمان این دو باب درباره مسئله انجام کارهای منزل، مواجهه با مشکلی علمی و عملی است. در ادامه دیدگاه غیرمشهور که بر مبنای شرط ارتکازی استوار شده است، بررسی می‌شود. ابتدای مسئله مذکور بر چنین شرطی از سوی فقیهان متعددی نقد شده است. در این نوشته تلاش می‌شود تا به مبنای لزوم معاشرت به معروف نیز توجه شود و براساس آن، مسئله واکاوی شود. نتیجه این بررسی بیانگر وجوب انجام این امور بر زوجه است. این نتیجه تبیین و توضیح جوانب دیگری از بحث، مانند ارتباط آن با بحث نشوز و اجرت‌المثل انجام کارهای منزل را می‌طلبد. به این نکات در انتهای بحث پرداخته خواهد شد.

۱. دیدگاه مشهور فقیهان؛ واجب نبودن کارهای منزل بر زوجه

بحث انجام کارهای منزل را در کتاب‌های فقهی در دو باب نفقه زوجه و نشوز می‌توان مشاهده کرد.

۱-۱. نظر فقیهان در باب نفقه زوجه

در باب نفقه زوجه آنجا که موارد و مقادیر واجب نفقه شمارش می‌شود، «اخدام» یکی از موارد واجب تلقی می‌شود، به این معنا که واجب است برای برخی زنان خادم گرفت تا کارهای منزلشان را انجام دهند. قول مشهور در فقه آن است که اگر زوجه از کسانی است که عادت به کار کردن ندارند بلکه همواره دیگری خدمت آنان را می‌کرده‌است، بر زوج واجب است که برای او خادم بگیرد و فرقی نمی‌کند که زوج موسر یا معسر باشد و نیز آزاد یا عبد باشد. در این باره بیشتر فقیهان توضیح داده‌اند که این فتوا به دلیل تحصیل «معاشرت به معروف» است. ولی اگر زن از چنین خانواده‌هایی نبود، خودش باید کارهای خودش را انجام دهد. نکته‌ای که معمولاً در اینجا تذکر می‌دهند آن است که این شأنت در منزل پدری برای او ایجاد شده باشد، نه اینکه به دلیل آمدن به منزل شوهر چنین رفعتی کسب کرده باشد (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ۷/۶؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ۲۹۳/۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۰ق، ۳۴/۲؛ مقداد سیوری، ۱۴۰۴ق، ۳/۲۸۷؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ۴۵۷/۸؛ محقق سبزواری، بی‌تا، ۳۰۱/۲؛ محقق بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۱۲۲/۲۵؛ نجفی، بی‌تا، ۳۳۷/۳؛ شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق، ۴۸۴؛ اصفهانی، ۱۴۲۲ق، ۷۶۵؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۳۰۱/۲۵؛ گلپایگانی، ۱۴۱۳ق، ۳۷۸/۲؛ فاضل، ۱۴۲۱ق، ۵۸۷).

بر اساس این فتوای مشهور، بر گروهی از زنان یعنی افرادی که به تعبیر فقیهان، ذات شرف یا صاحب حشمت هستند یا در بیت‌هایی بزرگ زندگی می‌کرده‌اند و به عبارتی شأن آنان از نظر عرفی به گونه‌ای است که شایسته است خادم داشته باشند، واجب نیست که کارهای منزل را انجام دهند، بلکه برعهده زوج است که با استخدام خادم کارهای منزل را به انجام برسانند. گروه دیگر که از جمله این زنان نیستند، خود موظف‌اند که کارهای خود را انجام دهند. اگرچه تصریح نشده‌است که مقصود از «کارهای خود» چه مواردی است اما از مقابله با قسمت اول فتوا به نظر می‌رسد هرکاری که در منزل باید انجام شود، از قبیل غذا پختن، جارو کردن، مرتب کردن

حکم تکلیفی
انجام کارهای منزل
توسط زوجه از منظر
فقه امامیه

۱۳۷

خانه و هرکاری در خانه که اگر خادمی وجود داشته باشد به او سپرده می شود، برعهده خود زوجه است.

۲-۱. نظر فقیهان درباره نشوز

از عبارات فقیهان درباره نشوز چنین به دست می آید که کارهای منزل بر هیچ زنی واجب نیست. آنان معتقدند ترک مواردی که بر زن واجب نیست مانند کارهای منزل، یا حوائجی که ربطی به استمتاع ندارد مانند جارو کردن، خیاطی، آشپزی، حتی آب آوردن و آماده کردن فراش، سبب تحقق نشوز نیست (شهیدثانی، ۱۴۱۳ق، ۳۶۱/۸؛ محقق سبزواری، بی تا، ۲/۲۶۸؛ نجفی، بی تا، ۳۱/۲۰۱؛ اصفهانی، ۱۴۲۲ق، ۷۵۵؛ خمینی، بی تا، ۲/۳۰۵؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۲۵/۲۱۹؛ گلپایگانی، ۱۴۱۳ق، ۲/۳۶۷؛ فاضل، ۱۴۲۱ق، ۸۱). از این رو می توان اتفاق همان فقیهان را در این باب بر واجب نبودن کارهای منزل بر زن مشاهده کرد. همچنین گفته اند زوج حق اجبار زوجه به انجام کارهای منزل را ندارد (منتظری، ۱۴۱۳ق، ۴۶۵؛ اراکی، ۱۴۱۴ق، ۲/۸۸) یا اینکه زوج استحقاق خدمت زوجه در بیت را ندارد (روحانی، ۱۴۱۷ق، ۳۲۵؛ سیستانی، ۱۴۱۷ق، ۳/۱۰۳).

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۹

زمستان ۱۴۰۱

۱۳۸

۳-۱. اشکال بر دیدگاه مشهور فقیهان

در کنار هم دیدن این دو باب یک اشکال را نمایان می کند و آن اینکه در باب نفقه به لحاظ جامعۀ آماری، تعداد اندکی از زنان استحقاق داشتن خادم برای انجام کارهای منزل را دارند و دیگران چنین حقی برعهده همسرانشان ندارند. از دیگر سو، براساس فتاوای باب نشوز، انجام کارهای منزل بر هیچ یک از زنان واجب نیست. بنابراین تکلیف کارهای منزل چه می شود؟ مسئله زمانی پیچیده تر می شود که بزرگانی همچون شهید ثانی براساس اصول و قواعد حاکم تصریح می کنند: اگر زن از کسانی است که معمولاً خود کارهایشان را انجام می دهند، چنانچه بخواهد با هزینه خویش خادم بگیرد زوج حق دارد که از دخول او به منزل ممانعت کند (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ۸/۴۵۷).

شاید برای کاستن این اشکال باشد که فتاوایی مبنی بر مستحب بودن کارهای

منزل بر زوجه (سیستانی، ۱۴۱۷ق، ۱۰۳/۳). یا هر دوی زوجین مشاهده می‌شود. برخی نگاشته‌اند انجام دادن کار در منزل برای زن و مرد مستحب است، زیرا باعث تواضع و سلامتی بدن و غیر آن می‌شود (حسینی شیرازی، ۱۴۲۵ق، ۷۹)، اما انصاف آن است که فتاوی‌ای مبنی بر استحباب مشکل‌گشا نیست.

۲. دیدگاه وجوب انجام کارهای منزل بر زوجه بر اساس شرط بنایی

۲-۱. بیان دیدگاه وجوب بر اساس شرط بنایی

با توجه به این واقعیت که در عرف جامعه، زنان امور منزل را برعهده می‌گیرند، برخی از فقیهان انجام امور ضروری منزل را وظیفه زوجه دانسته، آن را از باب شرایط ضمنی ارتکازی می‌دانند و معتقدند مازاد بر امور ضروری بر زوجه واجب نیست و صرفاً در این موارد چنانچه قصد تبرع نداشته باشد، می‌تواند اجرت دریافت کند به گونه‌ای که در عرف زنان ما متعارف است (تبریزی، ۱۴۲۷ق، ۸/۲۲۴).

۲-۲. نقد و بررسی دیدگاه وجوب بر اساس شرط بنایی

این دیدگاه مخالفت‌های متعددی در پی داشته‌است (لنکرانی، بی‌تا، ۴۳۶/۱). حسین حلی هرگونه تبانی عرفی را از شروط ضمنیه دانستن، نقد می‌کند و به مثال‌های نقضی که از نظر ایشان خیلی روشن‌تر از شروط ضمنی در بحث اجاره و بیع است تمسک کرده، می‌نویسد: اگر هرگونه تبانی عرفی شرط ضمنی به حساب آید، باید خدمت زوجه در بیت را شرط دانست، به گونه‌ای که تخلف از آن جایز نباشد، در حالی که زوجه در خدمت بیت آزاد است و شارع مقدس کارهای منزل را بر او واجب نکرده‌است. انجام کارها تنها فضیلتی از جانب اوست (حلی، ۱۴۱۵ق، ۱۴۹).

محقق خوبی در خصوص شرط ضمنی دانستن انجام کارهای منزل برای زن معتقد می‌شود: متعارف آن است که زوجه این امور را از روی رغبت و میل باطنی انجام دهد بدون آنکه الزام و التزامی وجود داشته باشد. بنابراین شرطی ضمنی که عقد مبتنی بر آن باشد به‌شمار نمی‌رود (خوبی، ۱۴۱۶ق، ۳۰۱/۱).

محقق بحرانی نیز با اینکه خدمت بیت را در عرف و عادت برای زن می‌بیند، ولی

حکم تکلیفی
انجام کارهای منزل
توسط زوجه از منظر
فقه امامیه

۱۳۹

اعتقاد دارد که این مسئله از روی مسامحه و تراضی و سخت نگرفتن در حقوق شرعی است، در حالی که شرع آن را واجب نکرده است (بحرانی، ۱۴۰۵، ا.ق. ۱۲۵/۲۵).

به نظر می‌رسد درباره شرط بنایی بودن کارهای منزل نقدهایی اعم از ایراد کبروی و ایراد صغروی وارد باشد.

ایراد کبروی: این قضیه کلی که «هرگونه تبانی عرفی از شروط ضمن عقد به شمار می‌رود»، قابل پذیرش نیست. به عبارت دیگر، نمی‌توان هر چیزی را که به صورت متعارف و معمول انجام می‌شود، به مثابه شرطی در ضمن عقد دانست و الزام آن را برای هرکسی که آن عقد را برقرار می‌کند، نتیجه گرفت. ممکن است برخی جزئیات که در عرف به صورت معمول انجام می‌شود، مورد غفلت طرفین عقد قرار گرفته باشد و سکوت درباره آن در هنگام عقد به معنای رضایت به عرف رایج تلقی نشود. برای اینکه چیزی شرط بنایی و ضمنی قلمداد شود، نیاز به بررسی قرائن، در نظر گرفتن اوضاع و احوال، انگیزه‌های طرفین و اموری از این قبیل است و نمی‌توان به سهولت نکته‌ای عرفی را به گردن طرفین عقد گذاشت.^۱

ایراد صغروی: پس از پذیرش کلیت تبانی عرفی بر انجام کارهای منزل توسط زوجه، فقیهان در تشخیص نظر عرف به جزئیات مسئله حاضر ایراد گرفته‌اند. اینکه عرف انجام کارهای منزل را یک وظیفه برای زوجه نمی‌داند و خود زوجه این امور را از روی رغبت و میل باطنی انجام می‌دهد، بدون آنکه عرف الزام و التزامی قائل باشد، گواهی بر آن است که این مسئله نمی‌تواند به گونه‌ای الزام‌آور در عقد ازدواج تصور شود. دیگری نیز مشابه همین معنا را باور داشته، معتقد است اینکه در عرف، زن کارهای منزل را انجام می‌دهد از روی مسامحه و تراضی و سخت نگرفتن در حقوق شرعی است، یعنی در این موارد عرف در صدد امور لازم شرعی و قانونی نیست تا اگر در ضمن عقد هم نیامد، پایبندی عرف به آن، دلیلی

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۹

زمستان ۱۴۰۱

۱۴۰

۱. درباره عقد ازدواج روایاتی مبنی بر لازم نبودن شرط سابق بر عقد وجود دارد، با این مضمون که هر شرط سابق بر عقد، با عقد نکاح از بین می‌رود، مگر آنکه در ضمن نکاح اعاده شود (وسائل الشیعه، ۴۵/۲۱-۴۷). ظاهر این روایات بیانگر وضعیتی است که زوجین برخی شرایط لسانی را در قالب گفت‌وگوهای پیش از عقد مطرح کرده‌اند که در این صورت چنانچه در ایجاب نیامده باشد، لزوم وفا ندارد، اما مواردی را که جزو مرتکرات عرفی به‌شمار می‌رود شامل نمی‌شود، بنابراین، وجود این روایات نقد صحیحی بر این قول نیست.

بر شرعی بودن آن تلقی گردد و بی‌نیاز از ذکر در متن عقد باشد.

۳. دیدگاه مختار: وجوب انجام کارهای منزل بر زوجه براساس قاعده معاشرت به معروف

عمل به شیوه «معروف» در تمامی مسائل مربوط به خانواده امری است که به آن در قرآن کریم بسیار توجه شده است. در بحث طلاق ۱۲ بار از این واژه استفاده شده است. در بحث نفقه (بقره/۲۳۳)، مهریه (نساء/۲۵)، مشورت با زوجه در امور فرزندان (طلاق/۶) و به طور کلی معاشرت در خانواده (نساء/۱۹) از این نحوه عمل سخن رفته است. وجوب معاشرت به معروف بر زوجین در جای خود به اثبات رسیده است. اکنون تلاش می‌شود معروف در زمینه انجام کارهای منزل شناسایی شود.

علامه طباطبایی معنای «معروف» را به این صورت بیان کرده است: «معروف چیزی است که مطابق حکم عقل، شرع، فضایل اخلاقی و آداب و سنن اجتماعی باشد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲/۲۳۲). بنابراین اگر «معروف در زمینه انجام کارهای منزل» مطابق شاخص‌های اصلی آن یعنی موافق عقل، شرع، اخلاق و عرف، شناسایی شود، قابلیت دارد به عنوان دلیل بر حکم قرار گیرد.

ادعا آن است که معروف در این زمینه، «انجام کارهای منزل توسط زوجه» است. برای اثبات این ادعا به بررسی موافقت این امر با هر یک از شاخص‌های یادشده به صورت مجزا پرداخته خواهد شد.

۱-۳. شاخص اول: موافقت با عقل

۱-۱-۳. استدلال اول؛ منطقی‌ترین حالت

یکی از ابتدایی‌ترین نیازهای خانواده وجود منزل، تهیه‌ی مایحتاج روزانه و سروسامان دادن به امور منزل جهت زندگی در آن است. درباره‌ی دو مورد اول که امور اقتصادی خانواده است، نه تنها شریعت تعیین تکلیف نموده، بلکه همه‌ی مسئولیت آن را متوجه مرد دانسته است. عقل، عرف و اخلاق هم با توجه به توانایی‌های مرد، این وظیفه را در ابتدا و در شرایط عادی برعهده‌ی مرد می‌داند. با این توجه، اکنون پرسش

حکم تکلیفی
انجام کارهای منزل
توسط زوجه از منظر
فقه امامیه

۱۴۱

آن است که عقل دربارهٔ امور داخل منزل - بر فرض آنکه شریعت به صورت خاص تعیین تکلیف نکرده باشد - چه نظری دارد؟

از آنجا که این امور میان زوجین است، چهار حالت برایش تصور می‌شود: برعهدهٔ مرد باشد؛ برعهدهٔ زن باشد؛ برعهدهٔ هیچ‌یک نباشد؛ برعهدهٔ هر دو قرار بگیرد. پذیرفتن حالتی که این امور برعهدهٔ هیچ‌کس نباشد، درحقیقت بی‌پاسخ گذاشتن مسئله است، چرا که گفته شد از انجام کارهای منزل گریزی نیست و شخصی باید آن‌ها را به عهده بگیرد.

پذیرفتن حالتی که برعهدهٔ هر دو باشد به این معناست که یا هر کدام از زوجین بخشی از کارها را که می‌تواند انجام دهد یا دربارهٔ انجام هرکاری به توافق برسند. این صورت علاوه بر آنکه با نظم و انضباط یافتن امور در تنافی است، اختلاف و نداشتن توافق را به همراه دارد و مانند مورد پیش که اصلاً متولی نداشته باشد ناکارآمد است. فرض آنکه برعهدهٔ مرد باشد، با اشکال «تکلیف بما لایطاق» مواجه است. گفته شد شریعت تأمین معیشت و امور اقتصادی منزل را برعهدهٔ مرد گذاشته است و این امر در زندگی‌های معمولی زمان و توان زیادی از مرد را مصرف می‌دارد. اگر او پس از فراغت از کارهای خارج منزل، موظف به انجام کارهای داخل منزل هم باشد، به نوعی مکلف به تکلیف بیش از طاقت شده است. از آنجا که «تکلیف ما لایطاق» ذیل موافقت عقل آمده شاید تصور شود، منظور، قبح عقلی تکلیف ما لایطاق است که صرفاً شامل امور محال می‌شود؛ در حالی که اینجا منظور اموری است که عادتاً سخت است و نفی تکلیف در این موارد با آیاتی همچون ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ (بقره/ ۱۸۶) ثابت است.

به این ترتیب تنها فرض منطقی و معقول آن است که زن این کارها را برعهده بگیرد.

۲-۱-۳. استدلال دوم؛ اقتضای عدل و انصاف

فرض آن است که در یک زندگی مشترک میان زن و مرد دو دسته کار وجود دارد؛ یک دسته از کارها را فقط مرد می‌تواند یا باید انجام دهد و دستهٔ دیگر در توان هر دو است. طبیعی است تکلیف قسم اول از کارها روشن است و برعهدهٔ مرد

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۹

زمستان ۱۴۰۱

۱۴۲

خانواده قرار دارد. دسته دوم را چه کسی باید انجام دهد؟ یکی از مستقلات عقلیه که عقل بدون کمک شرع آن را ادراک می کند، حسن عدل و انصاف است. به نظر می رسد تقسیم عادلانه کارها در منزل، یکی از صغریات این حکم عقل باشد. اقتضای عدل و انصاف در مسئله آن است که زن این دسته از کارها را انجام دهد.

۳-۱-۳. پاسخ به یک اشکال

ممکن است این اشکال به ذهن خطور کند که اگر در فقه این وظیفه بردوش زن گذاشته نشده و وظیفه مباحثی مرد هم تلقی نشده است، بلکه مرد موظف به استخدام خادم یا اجیر شده است، بنابراین برخی از اشکالات مطرح شده موجه نخواهد بود. پاسخ آن است که اولاً: تکلیف به استخدام خادم در فقه فقط برای زنان دارای شأن خادم داشتن مطرح است و درباره سایر زنان چنین تکلیفی بیان نشده است. بنابراین درباره این گروه از زنان می توان سؤال کرد انجام این امور وظیفه چه کسی است و تقسیمات پیش گفته را ارائه نمود. ثانیاً: استخدام خادم برای این گروه اکثری جامعه مستلزم هزینه هایی است که در توان اکثر مردان جامعه نیست و این نحوه تکلیف هم همان اشکال تکلیف بمالایطاق را دارد. ثالثاً: در عرف امروزی استخدام خادمی که تمام شبانه روز در خانه باشد و همه امور منزل را به انجام برساند تقریباً ناممکن است. تحقق این امر در عرف هایی که کنیز و برده وجود داشته، امکان پذیر بوده است. بنابراین در زمانی که خادم در منزل نباشد، باز این پرسش وجود دارد که کارهای کنونی منزل برعهده کیست و استدلال های ارائه شده موجه خواهد بود.

۳-۲. شاخص دوم؛ موافقت با شریعت

اگرچه یافتن نظر «شریعت» براساس کلمات فقیهان، با اشکال مواجه شد، اما در میان کلمات آنان عباراتی مشاهده می شود که تمایلشان به انجام کارهای منزل توسط زوجه را نشان می دهد. به علاوه روایاتی نیز وجود دارد که بر وظیفه زن در این امور دلالت می کند. از این رو دریافت مطلوب شرع براساس این دو مطلب ممکن می شود.

حکم تکلیفی
انجام کارهای منزل
توسط زوجه از منظر
فقه امامیه
۱۴۳

۱-۲-۳. کلمات فقیهان

مکارم شیرازی سخنی دارد که تمایل به لزوم انجام کارهای منزل توسط زوجه در آن مشاهده می‌شود. ایشان اصل دوم در روابط زوجین را به صورت «لا یجب علی الزوجة خدمة البيت» مطرح می‌کند، اما ذیل آن می‌نویسد: «کسی نگفته است که اگر زوجه در خانه خدمت نکرد، ناشزه می‌شود. البته نباید خدمت بیت را ترک کند، چون ازدواج مشارکت است و به همین جهت است که می‌گویند در صورت طلاق می‌تواند اجرة المثل بگیرد، ولی این در صورتی است که قصد تبرع نکرده باشد که در محیط ما نوعاً تبرع است» (۱۴۲۴ق، ۱۱۷/۶).

در عبارتی آمده است: هرآنچه زوجه در زندگی به آن نیاز داشته باشد جزو نفقه به حساب می‌آید، بلکه شوهر باید در رفاه زن بیفزاید و زن هم باید نسبت به مواردی از قبیل خدمت بیت و اداره منزل و رعایت اطفال و... اقدام نماید. به این ترتیب سعادت خانواده و اصلاح امر آن اتفاق می‌افتد (حکیم، ۱۴۱۵ق، ۶۶/۳).

فیض کاشانی نیز با آنکه در بحث «اخدام» موافق مشهور سخن می‌گوید و فتوای خود را بر همان استوار می‌کند، اما راضی به ترک این نکته نمی‌شود که به هر حال شایسته است زن خدمت زوج را به میزانی که مناسب حال اوست انجام دهد، البته این مطلب فقط مربوط به امور داخل منزل است. او برای تأیید سخن خود به روایاتی اشاره می‌کند، از جمله اخباری که درباره فاطمه و علی علیهما السلام با این مضمون آمده است که فاطمه علیها السلام با داشتن دو خادم، یکی از سه روز را به امر پیامبر صلی الله علیه و آله خود به عهده می‌گرفتند و اینکه در کتاب جعفریات خبری از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده که دلالت می‌کند خدمت زن در داخل منزل واجب است.^۱ ایشان توضیح می‌دهد: اخبار با این مضمون زیادند و آن‌ها شاهد بر رجحان این خدمت هستند، ولی منظور آن خدمتی است که عرف به آن گواهی دهد، با اینکه شایسته او باشد و زوجه با رضایت و طیب نفس آن‌ها را انجام دهد و مجبور بر کار نشود (بحرانی، بی تا، ۹۳/۱۰-۹۵).

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۹

زمستان ۱۴۰۱

۱۴۴

۱. الجعفریات ۱۰۹: «یاسناده عن علی علیه السلام قال یجبر الزجل علی التفقہ علی امرأته فإن لم یفعل حبس و تجبر المرأة علی أن ترضع ولدها و تجبر علی أن تخبز له و تخدمه داخل بیتها» (بروجردی، ۱۳۸۶، ۹۳۶/۲۶).

۲-۲-۳. روایات

روایاتی که درباره خدمت کردن در خانه برای هر یک از زن و مرد و تشویق آنان بر این امر وارد شده، فراوان است. آنچه در اینجا آورده می‌شود، نمونه‌هایی است که می‌توان از آن‌ها استفاده کرد اولویت بر انجام کارهای منزل توسط زوجه است.

۱-۲-۲-۳. روایت اول

امیر المؤمنین و فاطمه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله خواستند که در مورد کارهای منزل قضاوت کند. ایشان قضاوت نمودند که خدمت داخل منزل برای فاطمه علیها السلام و کارهای بیرون منزل برای علی علیه السلام باشد. فاطمه علیها السلام فرمود به جز خدا کسی نمی‌داند چقدر مسرور شدم از اینکه رسول الله صلی الله علیه و آله مرا از تحمل رقاب مردان بی‌نیاز نمود. شاید منظور از تحمل رقاب، آن باشد که کارهایی که مردان تحمل آن را دارند مانند آب و هیزم آوردن، یا منظور ظاهر شدن میان مردان و انجام کارهایی باشد که در ارتباط با مردان است.^۱

در تحلیل این روایت سه نکته به نظر می‌رسد:

نکته اول: امیر المؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام با آن جایگاهی که از نظر علم و آگاهی و معرفت به احکام دارند و با آن درجه از زهد و پارسایی که در دیگران نمونه‌اش یافت نمی‌شود، به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مراجعه نموده، از ایشان می‌خواهند که درباره امور منزل میان آنان قضاوت بفرمایند. خود این مراجعه و درخواست قضاوت، نشان دهنده آن است که این قضیه از نظر شرعی بدیهی انگاشته نمی‌شود که زن هیچ وظیفه‌ای درقبال امور منزل ندارد. البته کم و کیف آن از نظر اسلام کاملاً روشن نبوده است و مراجعه ایشان برای روشن شدن این جهت است.

نکته دوم: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم به قضاوت پرداخته، فرمودند: خدمت داخل منزل برای فاطمه علیها السلام و کارهای بیرون منزل برای علی علیه السلام باشد. ایشان در مقام قضاوت

۱. «تَقَاضَى عَلِيٌّ وَوَيْ فَاطِمَةُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْخِدْمَةِ فَقَضَى عَلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِخِدْمَتِهَا مَا دُونَ الْبَابِ وَ قَضَى عَلَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَا خَلْفَهُ قَالَ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ فَلَا يَعْلَمُ مَا دَخَلَنِي مِنَ السُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ بِأُكْفَانِي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَحْمِلُ أَرْقَابَ الرِّجَالِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۷۲/۲۰). در سند این روایت ابی‌البختری واقع شده که موجب تضعیف آن گردیده است. برخی تلاش کرده‌اند نقل این ابی‌عمیر از وی را با تمسک به قاعده «نقل مشایخ ثلاث» توثیق نمایند. البته روشن است که در مقاله صرفاً برای اثبات مطلوبیت به این روایت استناد شده است.

و بیان حکم قرار گرفتند. بنابراین اگر قیودی در نظر داشتند حتماً بیان می کردند. به طور مثال حضرت نفرمودند کارهای منزل همه برعهده مرد است و مثلاً: اگر خودش فرصت نمی کند، باید خادم بگیرد، یا نفرمودند کارهای منزل و داخل یا خارج برعهده مرد است ولی اگر زن در خدمت خانه باشد اجر و ثواب می برد که اگر چنین می کردند، احتمال آنکه زن وظیفه جدی در این باره نداشته باشد تقویت می شد، ولی با صورت ذکر شده احتمال آنکه انجام این امور در اصل با زوجه باشد، ترجیح داده می شود.

نکته سوم در عبارت حضرت زهرا ع است که فرمودند: جز خدا کسی نمی داند چقدر مسرور شدم از اینکه رسول الله ص مرا از تحمل رقاب مردان بی نیاز نمود. این عبارت بیانگر آن است که ایشان نیز اطمینان داشتند هریک از زوجین در برابر کارهای منزل وظیفه ای دارد و حتی از نظر دور نمی داشتند که پیامبر ص مختصری از کارهای بیرون از منزل را برعهده ایشان بگذارد. برخلاف تصور فقهی که امروزه وجود دارد و آن اینکه تنها وظیفه زن، اذن از همسر برای خروج از خانه و پاسخ به استتماعات شوهر است و دیگر هیچ وظیفه و جوبی ندارد. این تعبیر نشان می دهد تصور صحیح همان است که کارهای منزل باید میان اعضای آن تقسیم شود، نه اینکه همه بار و مسئولیت با یک نفر باشد و دیگری سهمی نداشته باشد.

بنابراین از این روایت که در مقام بیان حکم و قضاوت است، اگرچه نمی توان وجوب رعایت این تقسیم را دریافت، اما می توان مطلوبیت آن را نزد شارع ثابت دانست. البته برخی از فقیهان در بیان لزوم انجام کارهای منزل توسط زوجه به این روایت جهت مؤیدی در برداشت خود استناد نموده اند (سبحانی، بی تا، ۱۷۹). همچنین در تفسیر مراغی برداشت وجوب مشاهده می شود. او با اشاره به این روایت نگاهشده است: این همان چیزی است که فطرت درباره تقسیم کارها بین زوجین به آن حکم می کند. بر زن واجب است به تدبیر امور منزل پردازد و به نیازهای زندگی در این جهت اقدام کند و بر مرد تلاش و کسب و کار در خارج از منزل واجب است. این مسئله مانع از آن نیست که هریک از آنان به هنگام نیاز اگر توانایی دارند، از خادم و اجیر کمک بگیرند، همان طور که مانع از کمک رساندن

هریک به دیگری در کارهای او نمی شود (مراغی، بی تا، ۱۶۶/۲، ۱۶۷).

۲-۲-۳. روایت دوم^۱

از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر ما وارد شدند، در حالی که فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام کنار دیگ نشسته بود و من عدس پاک می کردم. فرمود: ای ابا الحسن! گفتم: بله یا رسول الله. فرمود: گوش فراده به آنچه می گویم که من سخنی از جانب غیر خدا نمی گویم: «قَالَ أَسْمَعُ مِنِّي وَ مَا أَقُولُ إِلَّا مِنْ أَمْرِ رَبِّي». هیچ مردی نیست که همسرش را در خانه اش یاری دهد: «مَا مِنْ رَجُلٍ يَعِينُ امْرَأَتَهُ فِي بَيْتِهَا» مگر آنکه به تعداد موهایی که بر بدن دارد، ثواب عبادت یک سال که روزهایش را روزه و شب‌هایش را به عبادت مشغول بوده است داشته باشد و خداوند مانند ثوابی که به صابرین - یعقوب و داوود و عیسی عَلَيْهِمُ السَّلَام - عطا کرده است به او عطا نماید. ای علی هرکس در خدمت عیال باشد و آن را ازین نبرد، خداوند اسم او را در دیوان شهدا می نویسد و... (شعیری، بی تا، ۱۰۲).

در تحلیل این روایت دو نکته به نظر می رسد:

نکته اول، آنکه پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عبارت «مَا مِنْ رَجُلٍ يَعِينُ امْرَأَتَهُ فِي بَيْتِهَا؛ هیچ مردی نیست که همسرش را در خانه اش یاری دهد...» را به کار می برند. در این تعبیر دلالتی است بر آنکه کارهای منزل برعهده زن است، زیرا فرمود: مردی که به همسرش کمک کند و این یعنی کار منزل و وظیفه زن است، ولی اجر و پاداش فراوان برای مردی است که همسر خود را یاری کند. اگر برعکس بود، یعنی زن وظیفه ای در این زمینه نمی داشت، باید پیامبر بزرگوار صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این ثواب‌ها را برای حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام بیان می کردند، چراکه ایشان نیز مشغول کار منزل بودند.

نکته دوم: آنکه پیامبر اعظم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با تعارف با کسی سخن نمی گفتند و در اینجا نیز از روی محبت یا دلجویی و هواداری به داماد خویش چنین نگفتند، بلکه همان ابتدا تصریح فرمودند: «أَسْمَعُ مِنِّي وَ مَا أَقُولُ إِلَّا مِنْ أَمْرِ رَبِّي». این تأکید نشان دهنده

۱. برخی از فقیهان معاصر در مقام اثبات استحباب انجام کار در منزل برای مرد و زن به این روایت استناد کرده است. این استناد از باب تسامح در ادله سنن صورت گرفته است (حسینی شیرازی، ۱۴۲۵ق، ۷۹).

واقعیتی است که در پس این سخن وجود دارد. با این توضیح، می‌توان گفت این روایت نیز وظیفه اصلی در این زمینه را برعهده زوجه گذاشته است. با تبیین روایات و کلمات فقیهان، می‌توان موافقت و همسویی «شرع» را با مطلوبیت انجام کارهای منزل توسط زوجه نتیجه گرفت.

۳-۳. شاخص سوم؛ موافقت با عرف

عرف جامعه ما از «زن» انتظار دارد کارهای معمولی خانه را از قبیل نظافت و غذا پختن انجام دهد. گواه بر این امر آن است که در زمان خواستگاری راجع به تمایل دختر به انجام کارهای خانه نمی‌پرسند، همان‌طور که راجع به استمتاع سؤال نمی‌کنند، زیرا تصور عمومی آن است که وقتی دختری آماده تشکیل خانواده شده است، می‌داند که در یک زندگی متعارف قرار خواهد گرفت و به‌طور طبیعی باید به انجام این کارها مبادرت ورزد. برخلاف اموری همچون ادامه تحصیل، شاغل بودن و... که طرفین آن را به بحث می‌گذارند، زیرا این‌ها اموری هستند که عرف درباره آن‌ها رویه ثابتی ندارد و هرکسی تصمیم خودش را در این باره دارد. بنابراین اگر دختری برخلاف رویه عرفی در نظر داشته باشد که پس از ازدواج کارهای منزل را انجام ندهد، انتظار می‌رود که زمان خواستگاری آن را مطرح کند. چنانچه این مطلب را بیان نکند و بعد بخواهد هیچ کاری در منزل به عهده نگیرد، هم در خانواده به مشکل خواهد خورد و هم از طرف عرف شماتت خواهد شد.

گواه دوم بر عرفی بودن انجام کارهای منزل توسط زوجه، مطالبی است که از فقیهان در بیان و نقد دیدگاه غیرمشهور مشاهده می‌شود. در دیدگاه «وجوب انجام کارهای منزل بر زوجه براساس شرط بنایی عقد ازدواج» بیان مدعی شرط بنایی و تمامی ایرادهای مذکور که از سوی فقیهان مطرح شد، همه در یک مسئله اتفاق نظر دارند و آن اینکه در عرف، زوجه کارهای منزل را انجام می‌دهد. براساس گفتار ایشان یا تصور عرف آن است که این کارها بر زن لازم است یا اینکه در عرف، زن با میل و رغبت باطنی خودش این کارها را انجام می‌دهد یا در عرف، تراضی میان

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۹

زمستان ۱۴۰۱

۱۴۸

زوجین بر انجام این کارها توسط زوجه واقع می‌شود و یا اینکه در عرف حتی اگر زن بر خود انجام این کارها را لازم و ضروری نداند، آن‌ها را انجام می‌دهد و ... این بیانات نشان می‌دهد در نظر فقیهان نیز انجام کارهای منزل توسط زوجه امری عرفی است.

۳-۴ شاخص چهارم؛ موافقت با اخلاق

حکم به لزوم انجام کارهای منزل توسط زوجه برخلاف تصور رایج، کرامت قائل شدن برای زن است و زن را از شیء‌انگاری محض و صرفاً ابزار استمتاع بودن خارج می‌کند. اگر مطابق نظر مشهور فقه گفته شود تنها وظیفه زن پاسخ به استمتاع همسر و اذن برای خروج از منزل است، هیچ فضیلت و شخصیتی برای زن در نظر گرفته نمی‌شود و او در حد ارضای غرایز دیگری تنزل داده می‌شود. درحقیقت، نگاه به خانواده بر این اساس چنین می‌شود که مرد یک زندگی تشکیل می‌دهد که همه چیزش در اختیار خود اوست و زن هم یک کالا در کنار همه چیزهایی است که مرد برای آسایش زندگی خود فراهم نموده است، در حالی که در زندگی اخلاق مدار و متعارف، زن با ازدواج، یکی از ارکان مهم خانواده را تشکیل می‌دهد و به عنوان یک پایه اصلی در تأسیس یک زندگی جدید مشارکت می‌کند. از این رو در سختی و سستی آن سهم است و خود را موظف و محق می‌داند که در پیشبرد اهداف آن، کمک فکری و تلاش عملی بکند. بنابراین، شایسته آن است که به زن به عنوان انسانی برخوردار از فکر و اندیشه و عمل مفید نگریسته شود که سهمی در مدیریت بخشی از منزل و پیشبرد اهداف آن دارد.

از طرفی آنچه اخلاق می‌پسندد رعایت معروف‌ها در زندگی و هماهنگی با انسان‌ها در این جهت است و تنها تمایز در رعایت بیشتر و اهتمام در زمینه خوبی‌ها را نیکو می‌داند و تمایز به امور نامأنوس و عجیب و غریب را بر نمی‌تابد. با وجود دستورهای اکید بر زندگی معروف از سوی شارع نمی‌توان معتقد شد خداوند متعال احکامی را در نظر گرفته است که مسلمانان یا اقصای مذهبی را انگشت‌نما کند و آنان را تافته جدا بافته‌ای از جامعه معرفی نماید. اگر قانون جامعه‌ای آن باشد که

حکم تکلیفی
انجام کارهای منزل
توسط زوجه از منظر
فقه امامیه

۱۴۹

صبح هنگام قوت روزانه همسر را اندازه گیری کند و در اختیار او قرار دهد و زن با گرفتن جیره روزانه در منزل بماند، هیچ یک از کارهای منزل را انجام ندهد و فقط مترصد درخواست تمتعات همسر بنشیند، آیا چنین جامعه‌ای با برخورداری از چنین احکامی در نظر دنیا عجیب نیست؟

با توجه به آنچه تاکنون به عنوان شاخص‌های معروف بیان شد، می‌توان مدعی شد براساس قاعده «وجوب معاشرت به معروف» انجام کارهای منزل در حد معروف و متعارف بر زوجه واجب است. یکی از فقیهان ذیل آیه شریفه ﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ نگاه داشته است: «هیچ عملی را زن برای شوهر انجام نمی‌دهد مگر آنکه در مقابل کاری برعهده شوهر است... بر زن واجب است که به تدبیر منزل قیام نماید و کارهای آن را انجام دهد و بر مرد تلاش و کسب درآمد در خارج از منزل واجب است. این همان اصل بنیادینی است که فطرت آن را تأیید می‌کند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امور را میان دخترش فاطمه و همسر وی علی علیه السلام به همین ترتیب تقسیم نمود...» (سبحانی، بی تا، ۱۷۹).

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۹

زمستان ۱۴۰۱

۱۵۰

۴- فروع مترتب بر مسئله

۱- ۴ ملاحظات فردی در معروف

در معروفیت هر امری باید ملاحظات فردی و شخصی نیز صورت بگیرد. عبارت «معروف آن است که زن باید کارهای منزل را انجام دهد»، قضیه‌ای کلی است که کلیتش برای شرایط عمومی و افراد عادی صحیح است، ولی باید توجه داشت که «معروف در کارهای منزل» درباره افراد خاص یا شرایط خاص، در نوع و میزان تفاوت می‌کند.

مشاهده می‌شود، فقیهانی که عدم وجوب کارهای منزل بر زوجه را مطرح می‌کنند، آن را از باب معاشرت به معروف توضیح می‌دهند. دلیل این امر آن است که آنان زنانی را موضوع حکم می‌دانند که از نظر مالی و شئون خانوادگی، متعارف آن است که کارهای منزل را انجام ندهند. بدیهی است اگر معروف درباره گروهی چنین باشد، باید به مقتضای آن عمل کرد. همچنین جزئیاتی در بحث اخذ از

فقیهان وجود دارد که همه مستند به معاشرت به معروف شده‌اند، در حالی که امروزه غیرمتعارف به نظر می‌رسد. این نکته به دلیل تفاوت‌های عرف در زمان‌ها و مکان‌های مختلف است. به هر حال، جزئیات این مسئله به راحتی توسط عرف تشخیص دادنی است.

۲-۴. انجام ندادن کارهای منزل و مسئله نشوز

گفته شد یکی از مواضعی که مسئله کارهای منزل مطرح می‌شود، بحث نشوز است. در آنجا توضیح داده می‌شود، انجام ندادن کارهای منزل توسط زوجه به دلیل واجب نبودن بر او سبب نشوز نمی‌شود. اکنون با بیان وجوب کارهای منزل بر زوجه، این پرسش ایجاد می‌شود که آیا اگر او این کارها را انجام ندهد، سبب نشوز خواهد شد یا خیر؟

بر نشوز احکام سه مرحله‌ای وعظ و هجر و ضرب مترتب است، همچنین زن استحقاق دریافت نفقه ندارد. این احکام فقط در موارد خاصی که با دلیل خاص ثابت شده است می‌آید، نه در هر جایی که اطاعتی از زوج یا انجام عملی بر زوجه واجب باشد. بر مطلب یادشده شواهدی از روایات و توضیح برخی فقیهان وجود دارد که به آن‌ها اشاره می‌شود.

حکم تکلیفی
انجام کارهای منزل
توسط زوجه از منظر
فقه امامیه

۱۵۱

۱-۲-۴. روایات باب نشوز

روایت اول: در تفسیر قمی روایتی از ابی‌الجارود از امام صادق علیه السلام در معنای آیه **﴿وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ﴾** نقل شده است (قمی، ۱۳۶۷، ۱/۱۳۷) که این روایت نشوز و اطاعت مطرح در آیه را نشوز زن از «فراش زوج» تفسیر می‌کند. در این روایت وعظ و توصیه و پند دادن جهت بازگشت به فراش است و از هجر و ضرب نیز تنها تحصیل اطاعت او در زمینه مضاجعت مطلوب است.

بنابراین هر چند زوج حقوق دیگری بر زوجه داشته باشد و موارد دیگری بر زن واجب باشد، اما آنچه مجوز ضرب است صرفاً اطاعت در همین زمینه است. عبارات بسیاری از مفسران در این زمینه مطلق است، یعنی «اطاعت» را صرفاً به «طاعت» و

«نشوز» را به «خروج از اطاعت» تفسیر کرده‌اند، اما به نظر می‌رسد مقصود آنان از طاعت فقط همین مورد باشد، چرا که براساس سیاق آیه می‌توان معتقد شد مقصود از نشوز مطرح در آن که مجوز هجر در مضاجع و ضرب زن می‌شود، فقط خروج از طاعت در مضاجع باشد.

قدمای از فقیهان نیز همین برداشت را داشته‌اند، چنان که شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه نگاشته است: «فَإِذَا نَشَرَتِ الْمَرْأَةُ كَنْشُوزَ الرَّجُلِ فَهُوَ خُلْعٌ فَإِذَا كَانَ مِنَ الْمَرْأَةِ فَهُوَ أَنْ لَا تُطِيعَهُ فِي فِرَاشِهِ وَهُوَ مَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرِبُوهُنَّ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۵۲۱/۳). ایشان نشوز از ناحیه زوجه را «اطاعت نکردن از زوج در فراش» می‌داند.

روایت دوم: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «أَيُّمَا امْرَأَةٍ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا فَلَا نَفَقَةَ لَهَا حَتَّى تَرْجِعَ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۴۳۹/۳).

این روایت موثق، زوجه را موظف می‌داند برای خروج از منزل از زوج اذن بگیرد و خروج بدون اذن را مُسْقَطِ نَفَقَه می‌داند. بنابراین هرچند زن وظایف دیگری دارد، ولی سرپیچی از هر وظیفه‌ای مُسْقَطِ نَفَقَه نخواهد بود. شیخ صدوق در توضیح این روایت، سقوط نفقه را به دلیل ناشزه دانستن این زن می‌داند. بنابراین در مواردی از نشوز، حکم سقوط نفقه مطرح است.

روایت سوم: «عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ فِي خُطْبَةِ الْوَدَاعِ إِنَّ لِنِسَائِكُمْ عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيْهِمْ حَقًّا حَقُّكُمْ عَلَيْهِمْ أَنْ لَا يُوْطِئَنَّ فُرْشَكُمْ وَ لَا يَدْخُلَنَّ بُيُوتَكُمْ أَحَدًا تَكْرَهُونَهُ إِلَّا بِإِذْنِكُمْ وَ أَنْ لَا يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ فَإِنْ فَعَلْنَ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ أَذَنَ لَكُمْ أَنْ تَعْضَلُوهُنَّ وَ تَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ تَصْرِبُوهُنَّ ضَرْبًا غَيْرَ مُبْرَحٍ فَإِذَا انْتَهَيْتُمْ وَ أَطَعْنَكُمْ فَعَلَيْكُمْ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۵۱۷/۲۱).

در این روایت موثق نیز برخی حقوق زوج بر زوجه نام برده شده است که عموماً مرتبط با ارتکاب عمل فحشا و مقدمات آن است و در همین موارد اجازه ضرب و عدم پرداخت نفقه داده شده است.

بنابراین براساس روایات باب نشوز یا باید گفت تمامی حقوقی که زوج بر زوجه دارد، همین دو مورد است یا اینکه از میان حقوق زوج بر زوجه، فقط این دو مورد

سبب نشوز و ترتب احکام آن خواهد شد. فرض دوم با روایات مربوط به طاعت زوجه و کلمات فقیهان در ابواب دیگر سازگارتر است.

۲-۴. روایات تکالیف زوجه

براساس روایات موجود در باب تکالیف زوجه نسبت به زوج می توان دریافت حقوق یادشده زوج بیشتر از این دو مورد است. به دو نمونه از روایات صحیح اشاره می شود:

● «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: جَاءَتْ امْرَأَةٌ إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ فَقَالَ لَهَا أَنْ تُطِيعَهُ وَلَا تَعْصِيَهُ وَلَا تَصَدَّقَ مِنْ بَيْتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَلَا تَصُومَ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَلَا تَمْتَعَهُ نَفْسَهَا وَإِنْ كَانَتْ عَلَى ظَهْرٍ قَتَبٍ وَلَا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵/۵۰۷).

● «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَيَّانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ لَيْسَ لِلْمَرْأَةِ مَعَ زَوْجِهَا أَمْرٌ فِي عِتْقٍ وَلَا صَدَقَةٍ وَلَا تَدْبِيرٍ وَلَا هَبَةٍ وَلَا نَذْرٍ فِي مَالِهَا إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا إِلَّا فِي زَكَاةٍ أَوْ بَرٍّ وَالَّذِيهَا أَوْ صَلَاةٍ قَرَأَتْهَا» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۳/۱۷۷).

چنانکه مشاهده می شود، مواردی مانند آنکه زن بدون اجازه شوهر حق ندارد از خانه او صدقه بدهد یا بدون اذن او روزه بگیرد، حق زوج و تکلیفی برای زوجه دانسته شده است. حتی در روایت دوم، عتق و صدقه و هبه و نذر از مال خود زن و بدون اذن همسر اجازه داده نشده است. همه این موارد وظایفی است که زوجه بر دوش دارد، ولی هیچ یک از فقیهان معتقد نشده است با انجام ندادن این امور، حق ضرب یا سقوط نفقه می آید.

اگر نشوز، «خروج از هر طاعتی» باشد و احکام نشوز به صرف سرپیچی از ادای هر حقی مترتب شود، مطابق این روایات باید گفت: مثلاً اگر زن روزه مستحبی بدون اذن همسرش گرفت، نفقه او ساقط می شود یا حکم به جواز ضرب خواهد آمد، در حالی که هیچ فقیهی به چنین امری ملتزم نشده است.

بنابراین، حتی اگر مسئله نشوز در عبارات فقیهان، خروج از طاعت واجب به صورت کلی مطرح شود، باید آن را فقط خروج از طاعت در زمینه استماعات

حکم تکلیفی
انجام کارهای منزل
توسط زوجه از منظر
فقه امامیه

۱۵۳

تفسیر نمود. چنان که علامه حلی نوشته است: «فإن صرحت بالنشوز و الامتناع عن طاعته فیما یجب له، بأن یدعوها إلى الفراه فتمتنع، و أصرت علیه، جاز له ضربها إجماعاً» (علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ۵۹۷/۳). فقیهان دیگر نیز در مثال‌هایی که برای نشوز مطرح می‌کنند، صرفاً به همین مورد اشاره می‌کنند (ابن براج، ۱۴۰۶ق، ۲۶۳؛ ابن حمزه، ۱۴۱۷ق، ۳۵۲). به نظر می‌رسد این تفسیر بهتر از آن باشد که تمام تکالیف زن منحصر در دو مورد انگاشته شود.

خلاصه آنکه می‌توان گفت از میان همه حقوقی که زوج بر زوجه دارد در دو مورد اجازه ضرب و سقوط حق نفقه مطرح شده است که عبارت‌اند از: عدم اطاعت از زوج در مسائل جنسی، ارتکاب موارد خلاف عفت، و در یک مورد هم نفقه ساقط می‌شود و آن خروج از منزل بدون اذن زوج است که البته اگر از مقدمات عمل فحشا به‌شمار رود، اجازه ضرب هم می‌آورد. با این بیان می‌توان معتقد بود کارهای منزل بر زن واجب باشد، اما سرپیچی از آن سبب نشوز و ترتب احکام نشوز نشود.

۴-۳. اجرت بر انجام کارهای منزل

انجام کارهای منزل در حد عرف بر زن واجب است. بنابراین دریافت اجرت در برابر آن وجهی نخواهد داشت. نباید پنداشت با این حکم، اجرت‌المثل کارهای زن در منزل که تاکنون به زن پرداخت می‌شده است، از بین خواهد رفت، چراکه اصل استحقاق دریافت اجرت‌المثل دو شرط دارد: به دستور شوهر صورت گرفته باشد و زن قصد تبرع نداشته باشد (لنکرانی، بی تا، ۴۳۶/۱). این دو شرط تقریباً در هیچ موردی حاصل نمی‌شود، چراکه زنان به صورت متعارف کارهای منزل را با قصد تبرع انجام می‌دهند و هنگام انجام امور منزل، به فکر دریافت اجرت نیستند. مکارم شیرازی در همین مسئله می‌نویسد: [انجام کارهای منزل توسط زن] در محیط ما نوعاً تبرع است (مکارم، ۱۴۲۴ق، ۱۱۷/۶). از طرفی این حکم هیچ‌گونه امتیازی برای زن ندارد، بلکه یک حکم کلی است و مربوط به خانواده نمی‌شود، به گونه‌ای که اگر زن از شوهر انجام کاری را برای خودش یا مثلاً برای مادرش بخواهد و او قصد تبرع نکند، می‌تواند مطالبه اجرت‌المثل کند.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۹

زمستان ۱۴۰۱

۱۵۴

به این ترتیب حکم مسائل متفرع بر «وجوب انجام کارهای منزل بر زوجه» نیز روشن می‌شود.

نتیجه‌گیری

۱. دیدگاه مشهور فقیهان مبنی بر واجب نبودن کارهای منزل بر زوجه، با توجه به دو باب نفقه و نشوز، با اشکال علمی و عملی مواجه است و تکلیف کارهای منزل روشن نمی‌شود.

۲. دیدگاه غیرمشهور که قیام به امور ضروری منزل را از باب شرایط ضمنی ارتکازی وظیفه زوجه دانسته، با ایراد کبروی و صغروی روبه‌رو است. اشکال کبروی آنکه نمی‌توان هرچیزی را که به صورت متعارف و معمول در عرف انجام می‌شود، به مثابه شرطی در ضمن عقد دانست. ایراد صغروی هم آنکه فقیهان منتقد در تشخیص نظر عرف در جزئیات مسئله حاضر اختلاف دارند.

۳. معاشرت به معروف اقتضا دارد کارهای منزل توسط زوجه انجام پذیرد. شاخص‌های اصلی معروف یعنی مطابقت با عقل، شرع، عرف و اخلاق، بر این قضیه تطبیق می‌کند. براساس قاعده «وجوب معاشرت به معروف» انجام کارهای منزل در حد معروف و متعارف بر زوجه واجب است.

۴. در معروف بودن هر امری باید ملاحظات فردی و شخصی نیز صورت بگیرد.
۵. از میان همه حقوقی که زوج بر زوجه دارد، در دو مورد اجازه ضرب و سقوط حق نفقه مطرح شده است که عبارت‌اند از: اطاعت نکردن از زوج در مسائل جنسی و ارتکاب موارد خلاف عفت، و در یک مورد هم نفقه ساقط می‌شود و آن خروج از منزل بدون اذن زوج است که البته اگر از مقدمات عمل فحشا به‌شمار رود، اجازه ضرب هم می‌آورد.

۶. کارهای منزل بر زن واجب است، اما سرپیچی از آن سبب نشوز و ترتب احکام نشوز نمی‌شود.

۷. انجام کارهای منزل در حد عرفی بر زن واجب است. بنابراین دریافت اجرت در برابر آن وجهی نخواهد داشت.

منابع قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. دوم، قم: بی نا.
۲. ابن براج، عبدالعزیز. (۱۴۰۶ق). المهذب. قم: مؤسسة النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.
۳. ابن زهره، حمزة بن علی. (۱۴۱۷ق). غنية النزوع إلى علمي الأصول والفروع. قم: مؤسسة امام صادق علیه السلام.
۴. اراکی، محمد علی. (۱۴۱۴ق). المسائل الواضحة. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۵. اصفهانی، سید ابو الحسن. (۱۴۲۲ق). وسیلة النجاة. (مع حواشی الإمام الخميني). قم: مؤسسة تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۶. انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵ق). کتاب النکاح. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۷. بحرانی آل عصفور، حسین. (بی تا). الأنوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع. قم: مجمع البحوث العلمية.
۸. بحرانی آل عصفور، یوسف. (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. قم: مؤسسة النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.
۹. بروجردی، حسین. (۱۳۸۶ش). جامع أحادیث الشيعة. تهران: بی نا.
۱۰. تبریزی، جواد. (۱۴۲۷ق). صراط النجاة. قم: دار الصديقة الشهيدة.
۱۱. حر عاملی، محمد. (۱۴۰۹). تفصیل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة. قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام لإحياء التراث.
۱۲. حسینی شیرازی، سید محمد. (۱۴۲۵ق). المال، أخذاً و عطاءً و صرفاً. لبنان: مؤسسة الوعي الاسلامی.
۱۳. حکیم، سید محمد سعید. (۱۴۱۵ق). منهاج الصالحين. لبنان: دار الصفوة.
۱۴. حلی، حسین. (۱۴۱۵ق). بحوث فقهية. چاپ چهارم. قم: مؤسسة المنار.
۱۵. خمینی، سید روح الله. (بی تا). تحرير الوسيلة. قم: مؤسسة مطبوعات دار العلم.
۱۶. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۶ق). صراط النجاة. قم: مکتب نشر المنتخب.
۱۷. روحانی، سید محمد. (۱۴۱۷ق). المسائل المنتخبة. کویت: شركة مكتبة الألفين.
۱۸. سبحانی تبریزی، جعفر. (بی تا). الاعتصام بالكتاب والسنة. قم: بی نا.
۱۹. سبزواری، سید عبد الأعلى. (۱۴۱۳ق). مهذب الأحكام، چهارم. قم: مؤسسة المنار.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۹

زمستان ۱۴۰۱

۱۵۶

٢٠. سيستاني، سيد علي. (١٤١٧). **منهاج الصالحين**. چاپ پنجم. قم: دفتر حضرت آيت الله سيستاني.
٢١. سيورى حلى، مقداد. (١٤٠٤ق). **التنقيح الرائع لمختصر الشرائع**. قم، كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى.
٢٢. شعيرى، محمد. (بى تا). **جامع الأخبار**. نجف: مطبعة حيدرية.
٢٣. شهيد ثانى، زين الدين. (١٤١٣ق). **مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام**. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
٢٤. شيخ طوسى، محمد بن حسن. (١٣٨٧ق). **المبسوط في فقه الإمامية**. چاپ سوم. تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
٢٥. طباطبايى، سيد محمد حسين. (١٤١٧). **الميزان في تفسير القرآن**. قم: مؤسسة النشر الاسلامى، التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.
٢٦. علامه حلى، حسن. (١٤١٠ق). **إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان**. بى جا: مؤسسة النشر الاسلامى، التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.
٢٧. علامه حلى، حسن. (١٤٢٠). **تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية**. قم: مؤسسة امام صادق عليه السلام.
٢٨. فاضل لنكرانى، محمد. (١٤٢١ق). **تفصيل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة - النكاح**. قم: مركز فقهى ائمة اطهار عليهم السلام.
٢٩. فاضل لنكرانى، محمد. (بى تا). **جامع المسائل**. چاپ يازدهم. قم: انتشارات امير قلم.
٣٠. قمى، على بن ابراهيم. (١٣٦٧). **تفسير قمى**. قم: دار الكتاب.
٣١. كلينى، محمد بن يعقوب. (١٤٠٧). **الكافي**. چاپ چهارم، تهران: دار الكتب الإسلامية.
٣٢. گلپايگانى، سيد محمدرضا. (١٤١٣ق). **هداية العباد**. قم: دار القرآن الكريم.
٣٣. محقق حلى، نجم الدين. (١٤٠٨ق). **شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام**. چاپ دوم. قم: مؤسسه اسماعيليان.
٣٤. محقق سبزوارى، محمد باقر. (بى تا). **كفاية الأحكام**. اصفهان: انتشارات مهدي.
٣٥. مراعى، احمد. (بى تا). **تفسير المراعى**. بيروت: دار احياء التراث العربى.
٣٦. مكارم شيرازى، ناصر. (١٤٢٤). **كتاب النكاح**. قم: مدرسة امام على بن ابي طالب عليه السلام.
٣٧. منتظرى، حسين على. (١٤١٣ق). **الأحكام الشرعية على مذهب أهل البيت عليهم السلام**. قم: نشر تفكر.
٣٨. نجفى، محمد حسن. (بى تا). **جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام**. هفتم، لبنان: دار إحياء التراث العربى.

حکم تکلیفی
انجام کارهای منزل
توسط زوجه از منظر
فقه امامیه

References

The Holy Qur'an

1. Āl 'Uṣfūr al-Baḥrānī, Ḥusayn Ibn Muḥammad. n.d. *al-Anwār al-Lāmi' fī Sharḥ Mafātīḥ al-Sharā'ī*. Edited by Muḥsin Āl-i 'Uṣfūr al-Baḥrānī. Qom: Majma' al-Buḥūth al-'Ilmīyya.
2. al-'Āmilī, Zayn al-Dīn Ibn 'Alī (al-Shahīd al-Thānī). 1992/1413. *Masālik al-Afhām ilā Tanqīḥ Sharā'ī al-Islām*. Qom: Mū'assasat al-Ma'ārif al-Islāmīyya.
3. al-Anṣārī, Murtaḍā Ibn Muḥammad Amin (al-Shaykh al-Anṣārī). 1994/1415. *Kitāb al-Nikāḥ*. Qom: al-Mu'tamar al-'Ālamī Bimunasabat al-Ḍhikrā al-Mi'awīyya al-Thānīyya li Milād al-Shaykh al-A'zam al-Anṣārī.
4. al-Arākī, Muḥammad 'Alī. 1995/1414. *Al-Masā'il al-Wāḍiḥat*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
5. al-Baḥrānī, Yūsuf Ibn Aḥmad (al-Muḥaqqiq al-Baḥrānī). 1984/1405. *al-Ḥadā'iq al-Nāḍira fī Aḥkām al-'Itrat al-Ṭāhira*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
6. Al-Burujirdī, Sayyid Ḥusayn. 2008/1386. *Jāmi' al-Aḥādīth al-Shī'ah*. Tehran.
7. al-Fāḍil al-Lankarānī, Muḥammad. 2000/1421. *Tafṣīl al-Sharī'at fī Sharḥ Tahṛīr al-Wasīlah (al-Nikāḥ)*. Qom: Markaz Fiqh al-A'immat al-Aṭhār.
8. al-Fāḍil al-Lankarānī, Muḥammad. n.d. *Jāmi' al-Masā'il*. 11th. Qom: Amīr al-Qalam.
9. al-Ḥakīm, al-Sayyid Muḥammad Sa'īd. 1994/1415. *Minḥāj al-Ṣāliḥīn*. Beirut: Dār al-Ṣafwāh.
10. al-Ḥillī, Ḥasan Ibn Yūsuf (al-'Allāma al-Ḥillī). 1989/1410. *Irshād al-Aḍḥān*. Qm: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
11. al-Ḥillī, Ḥasan Ibn Yūsuf (al-'Allāma al-Ḥillī). 1999/1420. *Tahṛīr al-Aḥkām al-Shar'īyya 'alā Maḍḥhab al-Imāmīyya*. Qom: Mu'assasat al-Imām al Ṣādiq.
12. Al-Ḥillī, Ḥusayn. 1995/1415. *Buḥūth Fiqhīyyah*. 4th. Qom: Mu'assasat al-Manār.
13. al-Ḥillī, Najm al-Dīn Ja'far Ibn al-Ḥasan (al-Muḥaqqiq al-Ḥillī). 1987/1408. *Sharā'ī al-Islām fī Masā'il al-Ḥalāl wa al-Ḥarām*. 2nd. Edited by 'Abd al-Ḥusayn Muḥammad 'Alī Baqqāl. Qom: Mu'assasat Ismā'īlīyān.
14. al-Ḥur al-'Āmilī, Muḥammad Ibn Ḥasan. 1988/1409. *Tafṣīl Wasā'il al-Shī'a ilā Taḥṣīl al-Masā'il al-Sharī'a*. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt li Iḥyā' al-Iturāth.
15. al-Ḥusaynī al-Ḥalabī, Ḥamzat Ibn 'Alī (Ibn Zuhra). 1998/1417. *Ghunyat al-Nuzū' ilā 'Ilmay al-Uṣūl wa al-Furū'*. Qom: Mu'assasat al-Imām al-Ṣādiq.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۹

زمستان ۱۴۰۱

۱۵۸

16. al-Ḥusaynī al-Rawḥānī, al-Sayyid Ṣadiq. 1996/1417. *Al-Masā'il al-Muntakhabah*. Kuwait: Shirkat Maktabat al-Alfayn.
17. al-Ḥusaynī al-Shīrāzī, al-Sayyid Muḥammad. 2004/1425. *Al-Māl, Akhzan, 'Aṭā'an wa Sarfan*. Lebanon: Mu'assasat al-Wa'y al-Islāmī.
18. al-Ḥusaynī al-Sīstānī, al-Sayyid 'Alī. 1996/1417. *Minhāj al-Ṣāliḥīn*. Qom: Maktabat Ayatollāh al-Sīstānī.
19. al-Iṣfāhānī, al-Sayyid Abū al-Ḥasan. 2001/1422. *Wasīlat al-Nijāt*. Qom: Mu'assasat Tanzīm wa Nashr Āthār al-Imām al-Khumaynī.
20. al-Kulaynī al-Rāzī, Muḥammad Ibn Ya'qūb (al-Shaykh al-Kulaynī). 1987/1407. *Uṣūl al-Kāfī*. Edited by 'Alī Akbar Ghaffārī and Muḥammad Ākhundī. 4th. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
21. Al-Marāghī, Aḥmad. n.d. *Tafsīr al-Marāghī*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
22. Al-Muntazirī, Ḥusayn 'Alī. 1992/1413. *Al-Aḥkām al-Sharī'at 'Alā Madhhab Ahl al-Bayt ('A)*. Qom: Maktabat Tafakkur.
23. al-Mūsawī al-Gulpāyghānī, al-Sayyid Muḥammad Riḍā. 1992/1413. *Hidāyat al-'Ibād*. Qom: Dār al-Qur'ān al-Karīm.
24. al-Mūsawī al-Khu'ī, al-Sayyid Abū al-Qāsim. 1995/1416. *Ṣirāṭ al-Nijāt*. Qom: Maktabat Nashr al-Muntakhab.
25. al-Mūsawī al-Khumaynī, al-Ṣayyid Rūḥ Allāh (al-Imām al-Khumaynī). 2000/1379. *Tahrīr al-Wasīlah*. Qom: Dār al-'Ilm.
26. al-Najafī, Muḥammad Ḥasan. 1983/1404. *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā'i' al-Islām*. 7th. Edited by 'Abbās al-Qūchānī. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
27. al-Sabzawārī, al-Sayyid 'Abd al-'Alā. 1992/1413. *Muḥaḍḍhab al-Aḥkām fī Bayān al-Ḥalāl wa al-Ḥarām*. 4th. Qom: Mu'assasat al-Manār.
28. al-Sabzawārī, al-Sayyid Muḥammad Bāqir (al-Muḥaqqiq al-Sabzawārī). n.d. *Kifāyat al-Fiqh (Kifāyat al-Aḥkām)*. Isfahan: Intishārāt Mahdawī.
29. Al-Sha'īrī, Muḥammad. n.d. *Jāmi' al-Akḥbār*. Najaf: Maṭba'at Ḥaydarīyah.
30. al-Siywarī al-Ḥillī, Miqdād Ibn 'Abd Allāh (Fāḍil Miqdād). 1983/1404. *al-Tanqīh al-Rā'i' lim Mukhtaṣar al-Sharā'i'*. Edited by al-Sayyid 'Abd al-Laṭīf al-Ḥusaynī al-Kuhkamarī. Qom: Manshūrāt Maktabat Āyat Allāh al-'Uzmā al-Mar'ashī al-Najafī.
31. al-Subḥānī al-Tabrīzī, Ja'far. n.d. *al-I'tisām bi al-Kitāb wa al-Sunnah*. Qom.
32. al-Ṭabāṭabā'ī, al-Sayyid Muḥammad Ḥusayn (al-'Allāma al-Ṭabāṭabā'ī). 1996/1417. *al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.

33. Al-Tabrizī, al-Mīrzā Jawād. *Şirāt al-Nijāt*. Qom: Dār al-Şidīqat al-Shahīdah.
34. al-Ṭirāblusī, ‘Abd al-‘Azīz Ibn al-Barrāj. 1985/1406. *al-Muhadhdhab*. Edited by Group research under the supervision of al-Shaykh Ja‘far al-Subḥānī. Qom: Mu‘assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā‘at al-Mudarrisīn.
35. al-Ṭūsī, Muḥammad Ibn Ḥasan (al-Shaykh al-Ṭūsī). 1967/1387. *al-Mabsūt fi Fiqh al-Imāmīyya*. 3rd. Tehran: al-Maktabat al-Murtaḍawīya li ‘Iḥya’ al-Āthār al-Ja‘farīyah.
36. Ibn Bābiwayh al-Qommī, Muḥammad Ibn ‘Alī (al-Shaykh al-Şadūq). 1992/1413. *Man Lā Yahduruh al-Faqīh*. 2nd. Qom: Mu‘assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā‘at al-Mudarrisīn.
37. Ibn Bābiwayh al-Qommī, Muḥammad Ibn ‘Alī (al-Shaykh al-Şadūq). 1983/1404. *Tafsīr al-Qommī*. Qom: Dār al-Kitāb.
38. Makārim Shīrāzī, Nāşir. 2003/1424. *Kitāb al-Nikāh*. Qom: Madrasī-yi Imām ‘Alī Ibn Abī Ṭālib.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

**Justārḥā-ye
 Fiqhī va Uşūlī**

Vol.8, No.29
 Winter 2023

160